

AS



Roses and Champagne

Ep 3

Translator

strawberry

Editor

matin

@AOISEKAI

Chatter
Chatter

اوه، بالاخره اینجا یی.



خوش اومدی هیونگ.

دیعتری

فامیل کایسر و بهترین دوستش
از کی جی بی و مالک کلاب.

هله

خوشحالم تصمیم
گرفتی بیای.

همه چی تا اینجا رسیدنت
خوب پیش رفت؟

Pull





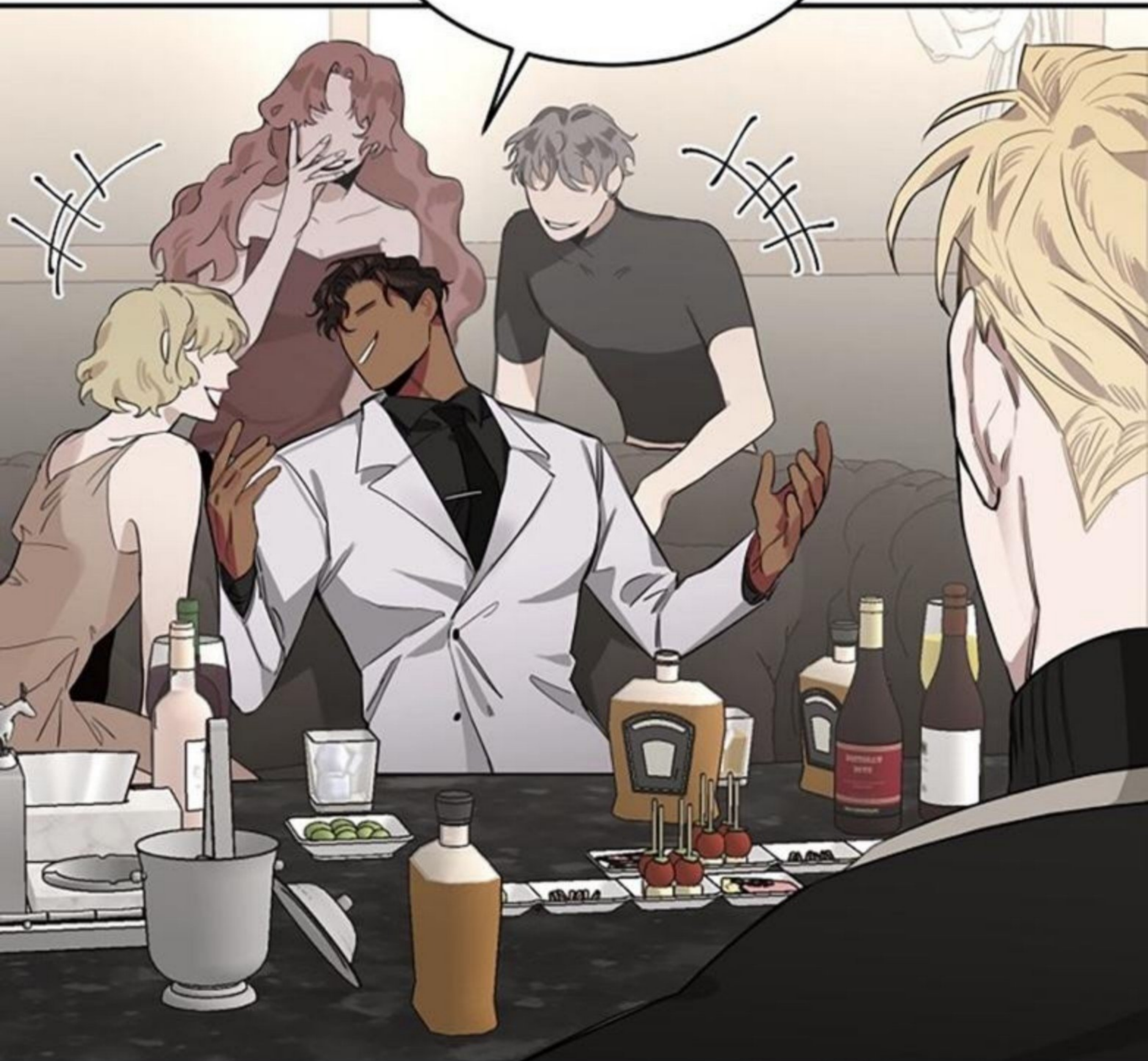


میدونم اینو زیاد
بهت میگم ولی،

کاش یکم مهربون تر بودی.



کی میدونه اون اصن
قراره یاد بگیره یه روز
استراحت کنه یا نه.





آه کشیدن

خب، کایسر.
کار و بار چطوره؟

آروم پیش میره.



آروم؟



Clack



هی، مدارک زدانو
رو دیدی؟



البته

میخواهی ادامه بدی؟



A comic panel with a dark, textured background. In the center is a red thermos with a black cap and a white label. To the right is a white cup. In the bottom left corner is a grey bucket filled with ice cubes. Two speech bubbles are present: one at the top left and one at the bottom right.

کایسر، من اون کسیم که
تمام اطلاعاتی که تو نمیخواهی
بشنوی رو میشنوه.

من هنوزم چیزی نمیگم اما اگه
سرمایه گذارا متوجه چیزی بشن
که بتونه اوضاع رو خراب کنه...

ممکنه همش بد تموم شه.

فکر میکنی از
زدانو میترسم؟



نه، این نیست. فکر
نمیکنم ارزش بترسی.

آه کشیدن

فقط فکر کنم،
تهدیه هیچی نیست.

بهتر نیست دیگه کاری
نداشته باشی؟

برای رام کردن ببر
باید غذا داشته باشی.

پوزخند

...ببر؟



اوه،

مشخص شد که میکائیل
لومونسو سقوط کرد.



ا.د: میکائیل لومونسو، دانشمند علوم
سیاسی و نویسنده ادبی اهل روسیه اس.

آره، هنوز نمیدونن
عدلیش چی بود.

Step

اون یه برگ برنده نداره.

روسیه در دستان من
خواهد بود.



...حدس میزنم.



سلامتی کایسر.

کایسر رفت تو اتاق؟



بله، رفت.

ده تا آدم همونجور که
گفتین، آماده کردم.

خیلی خب، الکل زیادی
برای مست کردنش لازمه.

یه عالمه بیارین و مطمئن
باشین که تموم نمیشن.

واقعا دیمتری،

هر شب با ده نفر،
سروکله میزنه؟



آره، خیلی بیشتر از چیزی
که بنظر میاد حیوونه.



ببینم چقدر طول میکشه.





خُب، انگار باید زیادی
پیرون منتظر بمونم.

فین فین کردن

تعجبی هم نداره، من
یه آدم شهریم توی
یه محله خارج شهر.



A large, white speech bubble with a black outline and a small tail pointing towards the bottom right. It is set against a solid grey background.

اوه، آدرس اینجا
رو نشون میده.



لی وون



اونو برام پیدا میکنی؟



این آخرین آرزوی مادرم
قبل از مرگش.

این نشونه ای بود که
طی این هفت سال گذشته،
دنیا بش پوادم.



امیدوارم همش
رو هوا نباشه.

Knock
Knock





چطوری؟ اسم من
جونگ لی وونه.
من یه وکیلیم.

لبختند

وکیل... اینجا چیکار میکنی؟

من اینجا چون باید
یه چیزی بردارم.

تو آقای سپهرینگی، مگه نه؟

این مال ۳۰ سال پیشه...

ممکنه زن کره ایی یادت باشه
که اینجا زندگی میکرده؟



اسمش جونگ سویونگه.
منظورم اینه که، اسمش
سویونگ جونگه.

...مممم...

سو یونگ؟



خودشه؟





آخرش، چیزی پیدا نکردم.



سو یونگ جونگه.

اون یه آدم آروم بود.

اینقد میگذره که تنها
چیزی که یادمه، همینه.



متأسفم. کمکی
ازم برنمیاد...

گفتم یکی رو پیدا میکنم که به
مامانم نزدیکه، اما میخواستم
بینم باهام تماس میگیرن یا نه.

ها...یه دوش میگیرم
و میخوابم.



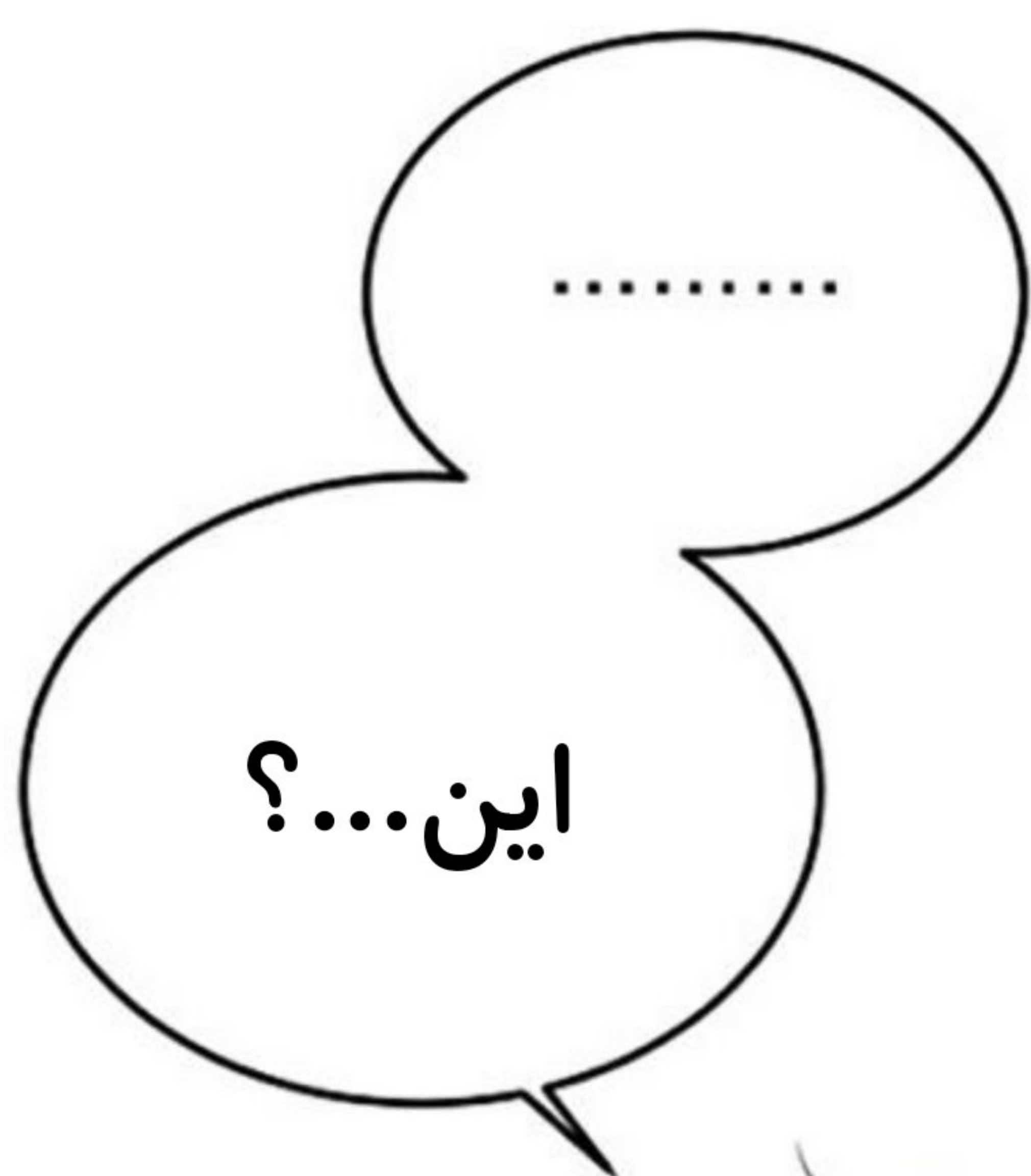


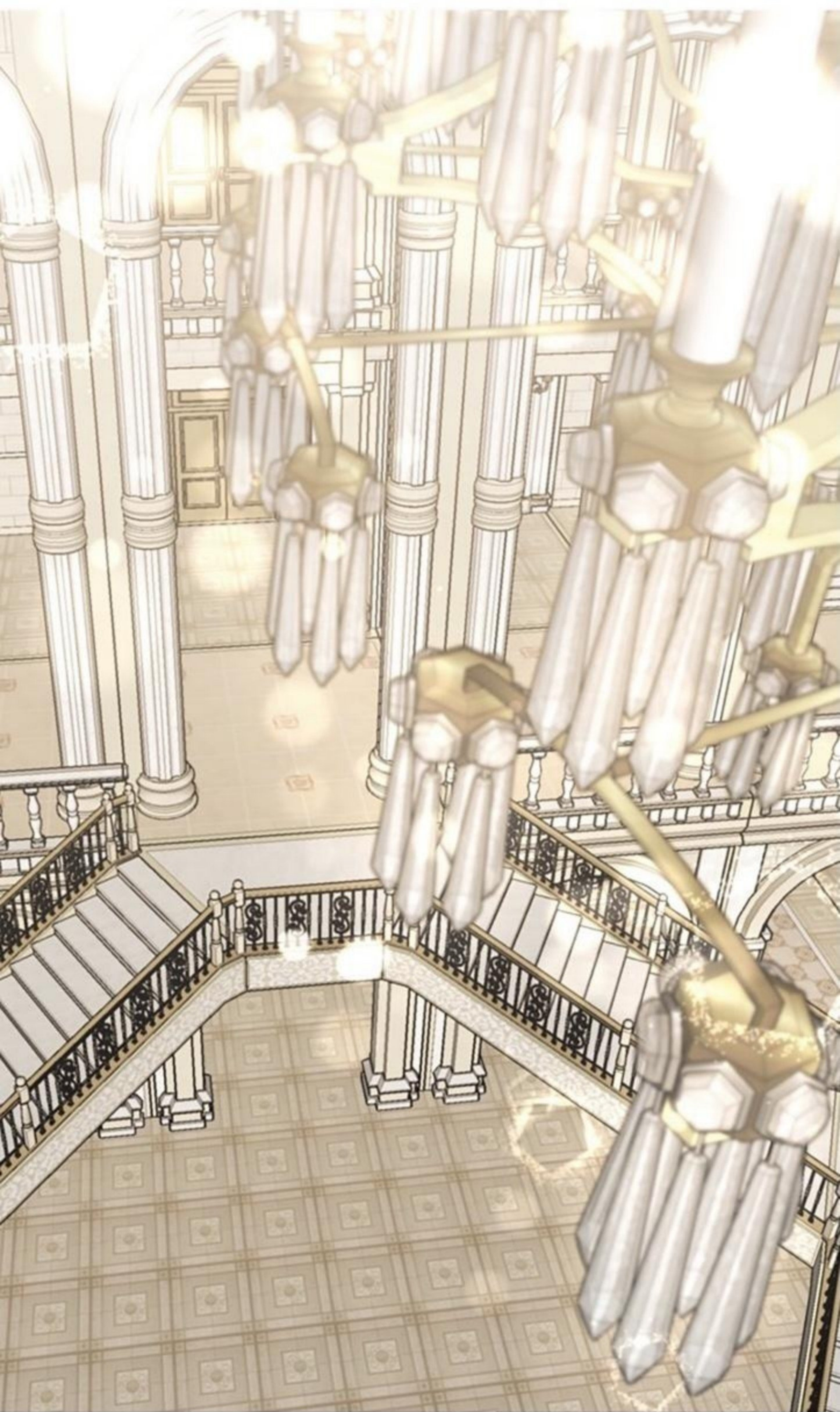
ها؟

چه مدته اون
اونجاست؟

این مال کیه؟









Stomp



اوه، اینجایی.



میخوام بدونم چی شد
یهویی صدام زد؟



فکر نمیکنم اینجا
مکان مناسبی باشه،



تا از دفتر
حرف بزنیم.

خب، مهم نیس. فقط
یه جواب به من بده.



انگار عجله داری.



اول از همه...



بیا باهم نمایش
رو بینیم.



.....

ببخشید؟

